

# ۴۸ قانون قدرت

• رابرت گرین •

• مترجم: فاطمه حسینی راد • مهدی برخوردار علی آبادی •

Screamfree Parenting  
Hal Edward Runkel

جهان  
کتاب

سرشناسه : گرین، رابرت، -۱۹۵۹م. -Greene, Robert, ۱۹۵۹

عنوان و نام پدیدآور: ۴۸ قانون قدرت/ رابرت گرین؛

[مترجم] فاطمه حسینی راد، مهدی برخوردار علی آبادی.

مشخصات نشر: قم: آثار نور، ۱۴۲۰/ مشخصات ظاهری: ۱۶ص.

شابک: ۰-۶۲۲-۶۴۸۲-۶۲۲-۹۷۸/ وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: The 48 laws of power

یادداشت: این کتاب نخستین بار با عنوان " ۴۸ قانون قدرت برای

کسانی که قدرت را خواهند، قدرت را نظارت می کنند "... توسط

نویسده در سال ۱۲۸۲ منتشر و سپس با عناوین متفاوت توسط

مترجمان و ناشران متفاوت در سال های مختلف منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه در صورت لزوم نویسد.

عنوان دیگر: ۴۸ قانون قدرت برای کسانی که قدرت را خواهند،

قدرت را نظارت می کنند،/ عنوان گسترده: چهل و هشت قانون قدرت.

موضوع: قدرت (فلسفه) / Power (Philosophy)

کنترل (روانشناسی) / Control (Psychology)

شناسه افزوده: حسینی راد، فاطمه، ۱۳۷۶- مترجم

شناسه افزوده: برخوردار علی آبادی، مهدی، ۱۳۷۶- مترجم

رده بندی کنگره: BD۴۲۸/ رده بندی دیویی: ۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۲۴۲۸۲/ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

## • ۴۸ قانون قدرت •

- نویسنده: رابرت گرین
- مترجم: فاطمه حسینی راد
- مهدی برخوردار علی آبادی
- ویراستار: محدثه بلقان آبادی
- فهیمه پارچه باف بیدگلی
- ناشر: آثار نور
- تولید محتوا: گروه هنری
- پویش (۰۹۱۹۲۹۵۸۷۳۳)
- صفحه آرایی: سیمین محمدی
- تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱
- شمارگان: ۱۰۰۰
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۸۲-۶۲۲-۰

قیمت: ۶۰۰/۰۰۰ تومان

۰۹۱۲۷۵۹۹۴۰۴



Jahaneeketab

جهان  
کتاب

## فهرست

### • پیش‌گفتار... ۲۱ •

- قانون ۱: هیچ‌وقت از بزرگ‌تر و قوی‌تر از خود سرپیچی نکنید... ۲۹ •
- قانون ۲: هیچ‌وقت به دوستان خود اعتماد کامل نداشته باشید و تمرین کنید که به چه صورت از دشمنان بهره بگیرید... ۳۶ •
- قانون ۳: هدف‌هایتان را مخفی کنید... ۴۶ •
- قانون ۴: همیشه کم‌تر از نیازتان حرف بزنید... ۶۳ •
- قانون ۵: شهرت مهم است؛ با زندگی‌تان از آن مراقبت نمایید... ۷۱ •
- قانون ۶: هر کاری را برای جلب‌توجه کردن انجام ندهید... ۷۹ •
- قانون ۷: افراد دیگر را برای انجام کار خویش برگزینید، البته اعتبار باید همیشه به اسم شما باشد... ۹۳ •
- قانون ۸: افراد دیگر را مجبور کنید به سوی شما بیایند، در صورت نیاز از طعمه استفاده کنید... ۱۰۰ •
- قانون ۹: با رفتارتان موفقیت را به دست آورید نه با بحث‌و‌جدل... ۱۰۷ •
- قانون ۱۰: از آدم‌های اندوهگین و بدشانس تأثیر نگیرید... ۱۱۶ •
- قانون ۱۱: دیگران را وابسته به خود نگه دارید... ۱۲۴ •
- قانون ۱۲: با صداقت و سخاوت انتخاب و قربانی خویش را خلع سلاح نمایید... ۱۳۳ •

• قانون ۱۳: هنگامی که تقاضای یاری دارید، منظور شما باید به سود دیگر افراد باشد.

• نه از روی حق شناسی و سخاوت آن‌ها... ۱۴۰

• قانون ۱۴: خود را به عنوان یک دوست جا بزنید؛ مانند یک خبرچین فعالیت

• نماییید... ۱۴۷

• قانون ۱۵: دشمن خود را کاملاً سرکوب کنید... ۱۵۳

• قانون ۱۶: برای بالا بردن احترام و نیک‌نامی خود برخی اوقات حضور نداشته باشید... ۱۶۱

• قانون ۱۷: دیگران را در موقعیت واهمه قرار دهید و فضایی غیرقابل پیش‌گویی خلق

• کنید... ۱۷۰

• قانون ۱۸: برای مراقبت از خود، به قلعه دفاع نروید؛ تنهایی خطرناک است... ۱۷۸

• قانون ۱۹: طرف مقابل خود را بشناسید؛ شخصی را به غلط خشمگین نسازید... ۱۸۷

• قانون ۲۰: در خصوص هیچ‌کس قاطعانه نظر ندهید، هیچ‌گاه به کسی پایبند

• نمانید... ۱۹۷

• قانون ۲۱: برای گیر انداختن یک احمق، می‌بایست احمق به نظر برسید... ۲۱۲

• قانون ۲۲: روش تسلیم شدن را به کار بگیرید؛ ضعف را به قدرت تبدیل کنید... ۲۲۰

• قانون ۲۳: بر قدرت‌هایتان متمرکز گردید... ۲۲۹

• قانون ۲۴: مثل یک درباری عالی، نقش بازی کنید... ۲۳۷

• قانون ۲۵: یک شخصیت جدید از خود خلق کنید... ۲۵۴

• قانون ۲۶: دست‌های خود را آلوده نکنید... ۲۶۴

• قانون ۲۷: با تحریک نیازهای مردم، آن‌ها باور می‌کنند که از پیروان سبکی خاص

• هستند... ۲۸۳

• قانون ۲۸: با شجاعت وارد عمل شوید... ۳۰۰

• قانون ۲۹: از آغاز تا پایان راه را برنامه‌ریزی کنید... ۳۱۳

• قانون ۳۰: به شکلی رفتار کنید که کارهایتان آسان دیده شود... ۳۲۴

• قانون ۳۱: گزینه‌ها را انتخاب کنید، افراد را مجبور کنید در چهارچوب قانون‌های شما

• کار کنند... ۳۳۵

• قانون ۳۲: آرزوهای افراد را بازیچه قرار دهید... ۳۴۴

• قانون ۳۳: با نقطه ضعف‌های هرکس آشنا شوید... ۳۵۳

• قانون ۳۴: در رفتارهای خود همچون یک شاه برخورد کنید تا با شما نیز همچون یک

شاه برخورد شود... ۳۶۹

• قانون ۳۵: هنرمندترین شخص در زمان بندی باشید... ۳۸۰

• قانون ۳۶: از چیزی که نمی‌توانید به دست آورید، بی‌زاری بجوئید؛ زیرا بهترین انتقام،

نادیده گرفتنشان است... ۳۹۲

• قانون ۳۷: نمایشی زیبا و جالب بسازید... ۴۰۴

• قانون ۳۸: به هر شکلی که دوست دارید فکر کنید، اما فقط همچون دیگران رفتار کنید... ۴۱۰

• قانون ۳۹: آب را گل آلوده کنید تا از آن ماهی بگیرید!... ۴۲۰

• قانون ۴۰: از چیزهای مجانی فرار کنید... ۴۳۰

• قانون ۴۱: پا در کفش بزرگان نکنید... ۴۵۱

• قانون ۴۲: با ضربه زدن به چوپان، گله پراکنده خواهد شد... ۴۶۶

• قانون ۴۳: روی ذهن و قلب دیگران کار کنید... ۴۷۶

• قانون ۴۴: با اثر آینه‌ای، دیگران را خلع سلاح و عصبانی کنید... ۴۸۷

• قانون ۴۵: درباره نیاز به دگرگونی با دیگران صحبت کنید، اما هرگز یکباره به اصلاحات

زیاد نپردازید... ۵۰۷

• قانون ۴۶: هیچ‌گاه عالی به نظر نرسید... ۵۱۷

• قانون ۴۷: از هدفی که به منظوری در نظر گرفته‌اید، جلوتر نروید؛ نقطه ایست در

پیروزی را یاد بگیرید... ۵۳۴

• قانون ۴۸: بی‌قضاوت و بی‌شکل بمانید... ۵۴۵

## قانون یک:

### هیچ وقت از بزرگ تر و قوی تر از خود سربیزی نکنید

بگذارید بزرگ ترها و رئیس های شما همیشه حس قدرت نسبت به شما داشته باشند. برای خوشحال کردن و نشان دادن خودتان به آن ها هیچ وقت این دو کار را انجام ندهید: اولاً ابراز باهوش بودن، دوماً برعکس دیگران رفتار کردن؛ برای این که چنین رفتاری بیان کننده ترس و ناامنی است. اجازه دهید باهوش تر از آن چه در حقیقت هستند، دیده شوند تا بتوانید به بالاترین سطح از قدرت برسید.

## قانون دو:

### هیچ وقت به دوستان خود اعتماد کامل نداشته باشید و تمرین کنید که به چه

#### صورت از دشمنان بهره بگیرید

مراقب دوستان خویش باشید، آنان خیلی به شما خیانت می کنند؛ چون حسادتشان به آسانی برانگیخته می شود و ظالم و بی رحم می شوند، اما در صورتی که دشمنی کهن را اجیر فرمایید از یک دوست وفادارتر است؛ چون چیز زیادتری برای ثابت کردن دارد. در واقعیت از دوستانتان بیشتر سود تا از دشمنانتان و در حالتی که دشمنی ندارید، راهی برای آن بیابید.

## قانون سه:

### هدف هایتان را مخفی کنید

با افشا نکردن اهداف مهم خویش سایر افراد را در ناآگاهی و بی خبری نگه دارید. در صورتی که سرخی از برنامه شما نداشته باشند برنامه ای هم برایتان نخواهند ریخت. تا اندازه ممکن گمراهشان کنید. وقتی که به هدفتان پی ببرند برای هرگونه اقدامی دیر گردیده است.

## قانون چهار:

### همیشه کمتر از اندازه نیاز حرف بزنید

هنگامی که می کوشید دیگر افراد را با بیان واژه هایی تحت تأثیر قرار دهید، هر اندازه بیشتر بگویید ساده تر به نظر می رسد و به نظر می رسد تسلط کمتری بر سخنان خویش دارید، اما در حالتی که در خصوص موضوعی پیش پا افتاده سخن بگویید و آن را نامفهوم، غیرعادی و رازآلود نشان دهید، مطلبی تازه به نظر می رسد. اشخاص قوی با کم گویی بر بقیه افراد تأثیر می گذارند. زیاده گویی ذکر حرف های احمقانه را در پی دارد.

## قانون پنج:

**شهرت مهم است؛ با زندگی تان از آن مراقبت نمایید**

شهرت محور قدرت است؛ صرفاً با شهرت می‌توانید در دیگر افراد وحشت به وجود آورید و برنده گردید. البته زمانی که شهرت به دست آید، شما حساس گردیده و از هر سو مورد تهاجم قرار می‌گیرید. شهرت خود را غیر قابل حمله سازید. مدام حواستان به حمله‌های پنهان باشد و قبل از روی دادن، آن‌ها را خنثی کنید. ضمناً بیاموزید که چگونه با رخنه در آوازه دشمنان آن‌ها را نابود کنید؛ سپس در گوشه‌ای بایستید و نگاه کنید که چطور با نظرهای مردم سرکوب می‌گردند.

## قانون شش:

**هر کاری را برای جلب توجه کردن انجام دهید**

هر چیزی از روی ظواهر قضاوت می‌شود؛ نادیدنی به چشم نمی‌آید. نباید در شلوغی و غوغا گم گردید؛ چون به فراموشی سپرده می‌شوید. خاص باشید؛ به هر قیمتی که شده فعال باشید و با داشتن ظاهری بزرگ‌تر، رنگی‌تر و رازآلودتر از مردم معمولی و ترسو، در رأس توجهات باشید.

## قانون هفت:

**افراد دیگر را برای انجام کار خویش برگزینید، البته اعلان باید همیشه به اسم شما**

**باشد**

از هوش، علم و کوشش افراد دیگر برای پیشبرد مقصود خویش بهره ببرید. با این کار، نه تنها فقط فرصت و انرژی ارزشمندتان ذخیره گردیده، بلکه هاله‌ای از کفایت و سرعت نصیبتان می‌گردد. در پایان کار، اشخاص کمکی فراموش گردیده و شما در اذهان باقی می‌مانید. هیچ‌گاه کاری را که افراد دیگر می‌توانند برای شما انجام دهند، خودتان سراغش نروید.

## قانون هشت:

**افراد دیگر را مجبور کنید به سوی شما بیایند، در صورت نیاز از طعمه استفاده کنید**  
هنگامی که سایر افراد را مجبور به انجام کاری کنید، درواقع این شما هستید که کنترل امور را در دست دارید. بهتر است رقیب را مجبور کنید به سوی شما بیاید و از کاری که در حال انجامش است، دست بکشد. او را با به دست آوردن سود باورنکردنی وسوسه کرده و بعد به او حمله کنید؛ برگ برنده در دستان شماست.

## قانون نه:

### با رفتار تان موفقیت را به دست آورید، نه با بحث و جدل

بردهای لحظه‌ای که در ظاهر به دست آورده‌اید، اصولاً با دعا و جدل، موفقیت‌های گرانی هستند. آزرده‌ای و دلگیری حاصل از آن قدرتمندتر بوده و از هر تغییر عقیده‌ای جاودانه‌تر خواهند بود. در صورتی که با رفتار تان بدون ذکر هیچ حرفی بتوانید موافقت دیگران را به دست آورید و آنان با شما هم‌نظر شوند، موفقیت قدرتمندتری خواهید داشت. پس توضیح ندهید، در عمل نشان دهید.

## قانون ده:

### از آدم‌های اندوهگین و بدشانس تأثیر نگیرید

شاید سنگدلی افراد دیگر سبب مرگ شما شود. شرایط روحی مانند بیماری‌های شیوع‌پذیر هستند و روی شما تأثیر می‌گذارند. شاید حس می‌کنید غرق‌ی را نجات می‌دهید، البته در واقع به بدبخت شدن خویش سرعت می‌بخشید. اشخاص بدبخت گاهی تیره‌بختی را به سوی خویش می‌کشند. پس می‌توانند نگون‌بختی را به سوی شما هم بکشند. با اشخاص خرد و خوسخت معاشرت کنید.

## قانون یازده:

### دیگران را وابسته به خود نگذارید

برای به دست آوردن استقلال و وابسته نبودن بایستی دائماً بقیه افراد از شما چیزی بخواهند و آنان به شما نیاز داشته باشند. هر اندازه وابستگی آنان به شما بیشتر باشد، آزادی و استقلال بیشتری خواهید داشت. آن‌ها می‌بایست برای شعف و شادی به شما وابسته باشند تا چیزی برای ترسیدن نداشته باشید. هیچ‌گاه تا اندازه‌ای به آنان یاد ندهید که بتوانند بدون شما به شعف و شادی برسند.

## قانون دوازده:

### با صداقت و سخاوت انتخاب و قربانی خویش را خلع سلاح نمایید

حرکتی بی‌ریا و صادقانه، یک سری حرکات ریاکارانه را پوشش می‌دهد. دست‌ودلبازی در سخاوت و صداقت حتی مشکوک‌ترین اشخاص را خلع سلاح می‌کند. وقتی که با صداقت انتخابی خویش رزه دشمنان را نابود کردید، می‌توانید آن‌گونه که خودتان دلتان می‌خواهد فریبشان دهید. یک کادوی به‌جا مانند اسب تروا نیز نتیجه یکسانی خواهد داشت.

## قانون سیزده:

هنگامی که تقاضای یاری دارید، منظور شما باید به سود دیگر افراد باشد، نه از روی حق شناسی و سخاوت آنها

در شرایطی که از دوستی یاری می‌خواهید، تلاش نکنید رفتارهای خوب و امداد قبلی خویش را به او یادآوری کنید. وی راهی برای در نظر نگرفتن شما می‌یابد. در ازای آن، مراد خویش را واضح بیان نمایید یا در ارتباط دوستی به مطلبی اشاره نمایید که برایش سودمند باشد. هنگامی که بفهمد کمک کردن به شما برایش سودمند است، باشوق به شما جواب خواهد داد.

## قانون چهارده:

خود را یک دوست جا بزنید؛ مانند یک خبرچین فعالیت نمایید

درایت داشتن از حریف بسیار اساسی است. برای گردآوری اطلاعات گران بها که شما را یک قدم جلوتر ببرد، بهره بگیرید. از جاسوسان نیز برای انجام این کار استفاده کنید و بهتر است خودتان این را انجام دهید. یاد بگیرید که در ارتباط‌های اجتماعی مؤدبانه و دقیق باشید. با سؤال‌هایی غیرمستقیم، نقاط ضعف و هدف‌ها سایر افراد مشخص و معلوم می‌گردد. هر موقعیتی شانسی برای جاسوسی هنرمندانه به شمار می‌آید.

## قانون پانزده:

دشمن خود را کاملاً سرکوب کنید

تمامی رهبران آموخته‌اند که دشمن ترسو باید کاملاً سرکوب شود؛ آن‌ها گاهی به مشقت این درس را آموخته‌اند. در شرایطی که چوب نیم‌سوزی روشن بماند، مهم نیست که چقدر روشنایی دارد، عاقبت شعله‌های آتش برافروخته می‌گردد. با باز ایستادن در نصفه راه، زیان بیشتری نصیب‌تان می‌گردد؛ دشمن تجدیدقوا خواهد کرد و درصدد انتقام خواهد بود. نه تنها جسم دشمن، بلکه روحش را نیز سرکوب کنید.

## قانون شانزده:

برای بالا بردن احترام و نیک‌نامی خود، برخی اوقات حضور نداشته باشید

ترویج زیاد سبب کاهش ارزش می‌شود. هراندازه دیگران شما را بیشتر ببینند و از شما بیشتر بشنوند، سبب عادی شدن شما می‌گردد. در شرایطی که حضورتان در گروهی اثبات گردیده است، گوشه‌گیری کوتاه‌مدتی منجر می‌گردد موضوع بحث در گفت‌وگوها شوید و حتی احترام بیشتری نصیب‌تان خواهد شد. شما باید بدانید که بهترین زمان برای ترک کردن چه زمانی است. با نبودتان ارزش خویش را بالا ببرید.

## قانون هفده:

بقیه افراد را در موقعیت واهمه قرار دهید و فضایی پیش‌گویی ناپذیر خلق کنید. انسان‌ها موجوداتی هستند که به نحوی سیری ناپذیر عادت دارند با رفتارهای سایر افراد آشنا شوند. قابل حدس بودن شما به آنان احساس کنترل می‌بخشد؛ پس پیش‌بینی‌پذیر نباشید و خلاقیت داشته باشید. رفتاری که به نظر می‌رسد بی‌ثبات و بی‌انگیزه هستند، تعادل آن‌ها را برهم زده و تلاش می‌کنند حرکت‌های شما را بیشتر توضیح بدهند. انجام بیش از اندازه و افراطی این حرکت می‌تواند نگران‌کننده باشد.

## قانون هجده:

**برای مراقبت از خویش به قلعه دفاع نروید؛ تنهایی خطرناک است**

دنیا خطرناک است و دشمنان همه جا در کمین نشسته‌اند؛ همه بایستی از خودشان محافظت نمایند؛ به همین خاطر قلعه امن‌ترین مکان است. البته تنهایی، بیش از مراقبت، شما را در معرض خطر قرار می‌دهد و سبب می‌گردد از خبرهای گران بها دور بمانید و شما را هدفی آشکار و آسان می‌کند. بهتر است در بین مردم بمانید، با آن‌ها قاتی شوید و متحدینی برای خود پیدا کنید. در بین جمعیت توسط مردم، از دشمنانتان محافظت می‌شوید.

## قانون نوزده:

**طرف مقابل خویش را بشناسید؛ شخصی را به غلط خشمگین نسازید**

شما باید بدانید که با چه افرادی در زندگی خود سروکار دارید. بعضی‌ها قضاوت‌های نادرستی دارند و شما نباید به آن‌ها توهین کنید. انسان‌های مختلفی در دنیا وجود دارند و نباید فکر کنید که برخورد آن‌ها نسبت به رفتارهای شما یکسان باشد. با گول زدن یا برتری یافتن بر بعضی منجر می‌شوید که باقی زندگی‌شان را به انتقام‌گیری از شما بگذرانند. آن‌ها گرگ‌هایی در لباس میش هستند؛ پس بهتر است، قربانیان یا حریفان خویش را با تمرکز انتخاب کنید و هیچ‌وقت شخصی را به غلط خشمگین نساخته و گول نزنید.

## قانون بیست:

**در خصوص هیچ‌کس قاطعانه نظر ندهید، هیچ‌گاه به کسی پایبند نشوید**

شخصی که دائماً از سایر افراد طرفداری می‌کند، احمق است. هیچ‌وقت طرف کسی را نگیرید؛ فقط خودتان باشید. با نگهداری استقلال خویش، از سایر افراد بالاتر قرار گرفته، افراد دیگر را علیه هم تحریک کرده و وادارشان فرمایید از شما پیروی نمایند.

## قانون بیست و یک:

برای گیر انداختن یک احمق، می بایست احمق به نظر برسید

هیچ شخصی دوست ندارد از شخص کناری خویش احمق تر به نظر برسد، پس می بایست قربانیان را تیزهوش جلوه دهید؛ به شکلی که نه تنها فکر کنند زرنگ هستند، بلکه تصور کنند از شما باذکاوت ترند. هنگامی که متقاعد شوند به علت های مخفی شما شک و تردید نخواهند کرد.

## قانون بیست و دو:

روش تسلیم شدن را به کار بگیرید؛ ضعف را به قدرت تبدیل کنید

وقتی که نسبت به حریف ضعیف تر هستید هرگز به خاطر افتخار نجنگید؛ به جای آن، تسلیم شدن را برگزینید. تسلیم شدن و واگذاری فرصت، تجدید قوا را برای شما می کند و سبب می گردد در این فرصت، شخص موفق را عذاب داده و برنجانید و معطل بمانید تا قدرتش کاهش یابد. نگذارید با جنگیدن و پیروزی بر شما لذت ببرد. خودتان تسلیم گردید. با این کار او را عصبانی و غمگین می سازید. تسلیم را ابزاری برای دستیابی به قدرت بدانید.

## قانون بیست و سه:

بر قدرت های تان متمرکز گردید

با متمرکز کردن نیروها و انرژی خود در قوی ترین جایگاهشان، آن ها محافظت کنید. با یافتن یک معدن پربار و حفر بیشتر آن نسبت به وقتی که از یک معدن کم عمق به معدن کم عمق دیگری بروید و هر بار شکست بخورید، بیشتر نصیب تان می گردد. وقتی که به دنبال منابع قدرت برای ارتقای خود هستید، دنبال منابع اصلی و دائمی باشید؛ گاو فربه ای برای دوشیدن در سال های آینده پیدا کنید.

## قانون بیست و چهار:

مثل یک درباری عالی، نقش بازی کنید

در دنیایی که همه چیز پیرامون قدرت و چالاکی سیاسی می چرخد، درباری عالی رشد می کند. وی به هنر غیرمستقیم بودن تسلط دارد. چاپلوسی می کند، تسلیم مافوق خود می شود و قدرتش را غیرمستقیم و بامتان به سایر افراد نشان می دهد. قوانین درباری را بیاموزید و انجام دهید. آن جا هیچ محدودیتی در پیشرفت و بالا رفتن شما وجود نخواهد داشت.

## قانون بیست و پنج:

### یک شخصیت جدید از خود خلق کنید

نقش‌های تحمیلی از سوی جامعه را نپذیرید و با آفریدن نام و نشان نو، خود را از نو خلق کنید؛ شخصیتی که توجهات را جلب کرده و اطرافیان را خسته نسازد. آفریننده تصویر خود باشید و نگذارید سایر افراد آن را برای شما انتخاب نمایند. دسیسه‌های هیجان‌انگیزی را در اعمال و حضور همگانی خویش بگنجانید؛ با این روش، قدرت شما افزایش خواهد یافت و شخصیت شما بالاتر از زندگی به نظر خواهد رسید.

## قانون بیست و شش:

### دست‌های خود را آلوده نکنید

می‌بایست از نظر لیاقت و شهروندی انسان کاملی به نظر برسید. دست‌های شما هیچ‌وقت نباید به غلط‌ها و رفتارهای زشت، آلوده شوند. برای تطهیر نقش خویش، با به‌کارگیری از بقیه افراد تحت عنوان سپر بلا، ظاهری به‌طور کامل منزّه داشته باشید.

## قانون بیست و هفت:

### با تحریک نیازهای مردم، آن‌ها باور می‌کنند که از پیروان سبکی خاص هستند

مردم میل زیادی در باور کردن و پذیرفتن هر چیزی دارند، با ارائه یک دلیل و شیوه‌ای جدید، مرکز کانون توجهات آن‌ها باشید. کلماتی مبهم، ولی سرشار از امید به زبان آورید، مشتاقانه به عقلانی بودن حرف‌ها و اندیشه‌های روشن تأکید کنید و به مرییان خود آداب جدیدی یاد بدهید تا اجرا کنند و به خاطر شما قربانی دهند. در نبود شیوه‌ای سازمان‌یافته و دلایل قوی، سازمان اعتقادی جدید شما قدرتی ناگفتنی به ارمغان می‌آورد.

## قانون بیست و هشت:

### با شجاعت وارد عمل شوید

در صورتی‌که از روش کاری مطمئن نیستید، آن را انجام ندهید. شک و تردید شما، رفتارتان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ترسو بودن خطرناک است. مهم است که با شجاعت وارد شوید؛ هر خطایی که با بی‌باکی مرتکب شوید، با بی‌باکی بیشتری اصلاح می‌شود. همه، شخص شجاع را تحسین می‌کنند؛ کسی به یک ترسو افتخار نمی‌کند!

## قانون بیست و نه:

### از آغاز تا پایان راه را برنامه ریزی کنید

پایان، همه چیز است؛ پس همه چیز را تا پایان کار برنامه ریزی کنید؛ تمام عواقب، موانع و پیچش های احتمالی را که ممکن است تلاش مشقت بار شما را وارونه ساخته و افتخار را به دیگران بدهد، در نظر بگیرید. با طرحی برنامه ریزی شده تا پایان راه در واکنش با وضعیت ها نابود نمی شوید و زمان درست بازیستادن را می دانید. به آرامی، آخر و عاقبت را هدایت نمایید و با تأمل پیشاپیش، آینده را تعیین کنید.

## قانون سی:

### به شکلی رفتار کنید که کارهایتان آسان دیده شود

کارهای شما می بایست خیلی طبیعی به نظر برسند و به راحت ترین شکل اجرا شوند. تمام سختی و زحمتی که در کارهای شما وجود دارد و تمام سختی ها و رمزهای کارهایتان بایستی نهفته شوند. وقتی کاری را انجام می دهید باید به گونه ای باشد که انگار می توانید بیشتر از این ها را نیز به راحتی انجام دهید. از گفتن رنج و سختی کارهایتان دوری کنید؛ چون سؤال های متعددی در ادامه ایجاد خواهد کرد. رمزهای مورد استفاده در کارتان را به کسی آموزش ندهید؛ آن ها بر علم شما به کار برده خواهد شد.

## قانون سی و یک:

گزینه ها را انتخاب کنید، افراد را مجبور کنید در چهار چوب قانون های شما کار کنند بهترین فریب ها آن هایی هستند که در ظاهر به طرف مقابل حق انتخاب می دهند؛ قربانیان فکر می کنند که همه چیز در کنترلشان است، اما در حقیقت، آن ها عروسک های دستی شما هستند! به مردم حق انتخاب دهید؛ به گونه ای که هر انتخابی که انجام دهند به سود شما باشد. مجبورشان سازید که از بین دواندیشه ای که هر دو در خدمت هدف های شما هستند، انتخاب کنند. آن ها را در تنگنا قرار دهید؛ به گونه ای که به هر سو برگردند، آسیب ببینند!

## قانون سی و دو:

### آرزوهای افراد را بازیه قرار دهید

اکثر مردم از حقایق خود در حال فرار کردن هستند؛ زیرا حقیقت زشت و ناخوشایند است. هرگز به سوی حقیقت و واقعیت نروید، مگر این که آماده پذیرش خشم حاصل از ناامیدی آن باشید. زندگی به اندازه ای ناگوار و رنج آور است که اگر کسی بتواند خیال بافی کند و رؤیاهای خود را مجسم سازد، مانند واحه های کوچک بیابان همه به دورش جمع می شوند. اشاره به رؤیاهای افراد، قدرت فراوانی به همراه دارد.

## قانون سی و سه:

### با نقطه ضعف های هرکس آشنا شوید

هرکسی نقطه ضعفی دارد؛ درست مانند راه نفوذ به قلعه، این ضعف به طور معمول گونه ای ناامنی است؛ احساس یا نیازی کنترل ناپذیر یا شاید یک لذت کوچک محرمانه. به هر حال با شناخت آن، وسیله شکنجه ای در دست دارید که به سود شما تمام می شود.

## قانون سی و چهار:

در رفتارهای خود همچون یک شاه برخورد کنید تا با شما نیز همچون یک شاه برخورد شود. رفتاری که خود را با آن ابراز می کنید، بیان کننده رفتاری است که می خواهید با شما به همان شکل برخورد شود. رفتاری بی ادبانه یا عادی در درازمدت باعث می شود مردم نسبت به شما با احترام برخورد نکنند؛ زیرا شاه به خودش احترام می گذارد و چنین حسی را به دیگران القا می کند. با رفتاری شکوهمند و مطمئن به قدرت هایتان، انگار که سزاوار تاج پادشاهی هستید.

## قانون سی و پنج:

### هنرمندترین شخصی در زمان بندی باشید

هرگز خود را فردی شتاب زده نشان ندهید؛ شتاب زده بودن به معنی آن است که شما کنترلی بر روی خود و زمانتان ندارید. همیشه صبورانه رفتار کنید؛ انگار که در نهایت همه چیز برای شماست. جویای لحظه درست باشید و روح زمان را ردیابی کنید؛ گرایش هایی که شما را به قدرت می رساند، بیاموزید. در زمان نامناسب عقب بایستید و در زمان مناسب به شدت حمله کنید.

## قانون سی و شش:

از چیزی که نمی توانید به دست آورید، بیزاری بجوئید؛ زیرا بهترین انتقام، نادیده گرفتنش است

با تأیید یک مشکل کوچک، به آن جان و نفس می دهید. هرچه بیشتر به دشمن توجه کنید، او را قوی تر می سازید. وقتی می کوشید مشکلی کوچک را برطرف کنید، بدتر و واضح تر دیده می شود! گاهی بهتر است مسائل را به حال خود رها کنید. اگر خواستار چیزی هستید و نمی توانید آن را داشته باشید، نسبت به آن بی اعتنا شوید؛ هراندازه گرایش کمتری نشان دهید، برتر به نظر می رسید.

## قانون سی و هفت:

### نمایشی زیبا و جالب بسازید

با کمک گرفتن از نشانه‌های نمادین و خیالی، فضایی قدرتمند ایجاد کنید؛ همه به این وضعیت پاسخ می‌دهند. برای اطرافیان نمایشی پر از تصویرهای جالب و نمادهای درخشان بسازید که حضور شما را بالا می‌برند. وقتی افراد شیفته ظاهر می‌شوند، نمی‌توانند به کاری که به راستی انجام می‌دهید، توجه کنند.

## قانون سی و هشت:

به هر شکلی که دوست دارید فکر کنید، اما فقط همچون دیگران رفتار کنید اگر برخلاف عصر خود عمل کنید و نظریه‌ها و روش‌های نامعمول و عجیب خود را نمایش دهید، دیگران فکر می‌کنند که شما نیازمند توجه هستید و به آن‌ها با دیدی تحقیرآمیز می‌نگرید؛ به همین دلیل سعی می‌کنند شما را برای این تحقیر تنبیه کنند. سالم‌ترین روش، هم‌جوشی با دیگران و هم‌رنگ شدن با آن‌هاست. خلاقیت خود را تنها برای دوستان شکیبیا و افرادی که مطمئن هستید برای خاص بودنشان ارزش قائل‌اند، بیان کنید.

## قانون سی و نه:

### آب را گل‌آلوده کنید تا از آن ماهی بگیرید!

عصبانیت و احساسات، از نظر کارایی نتیجه‌ای کاملاً عکس یکدیگر دارند. باید همیشه آرام و هدف‌مند بمانید و با آرامش خود، دشمنانتان را عصبانی کنید؛ در نتیجه سودی هدف‌مند کسب خواهید کرد. توازن دشمنانتان را برهم بریزید. با یافتن شکافی در غرورش می‌توانید آرامش آن‌ها را برهم ریخته و رشته‌ها را نگه دارید.

## قانون چهل:

### از چیزهای مجانی فرار کنید

چیزهایی که مجانی به شما داده می‌شود، برای شما خطرناک هستند؛ به طور معمول یا حقه‌ای در آن نهفته است یا پایبندی مخفی‌ای به همراه دارد. چیزی دارای ارزش است که برای آن بهایی پرداخته شود. پرداخت کردن به روش خودتان شما را از فکر جرم و حقه محفوظ می‌دارد. کار عاقلانه این است که بهای هر چیزی را به طور کامل بپردازید. سخاوتمند باشید و پولتان را جاری سازید؛ زیرا بخشش نشانه قدرت است.

## قانون چهل ویک:

### پا در کفش بزرگان نکنید

آن چه در ابتدا اتفاق می افتد، همیشه بهتر و بدیع تر از چیزی به نظر می رسد که بعدها اتفاق خواهد افتاد. اگر وارث اموال مرد بزرگی شدید یا پدر و مادر مشهوری داشته باشید، باید موفقیت های بیشتری به دست آورید تا از آن ها پیشی بگیرید. در سایه آن ها گم نشوید و به آن چه ساخته شما نیست، اتکا نکنید. با تغییر مسیر، نام و هویت خود را ثبت کنید. پدر زورگو را رها کنید؛ به میراث او اهمیت ندهید و به روش خود بدرخشید و قدرت را به دست آورید.

## قانون چهل و دو:

### با ضربه زدن به چوپان، گله پراکنده خواهد شد

اگر به افراد دوبرهم زن، خودخواه و فرومایه مغرور اجازه انجام کاری را بدهید، مطمئناً برایتان دردسرساز خواهند شد. برابر نفوذشان سر تعظیم فرود خواهید آورد! منتظر نمانید تا مشکل های فراوانی برای شما به بار آورند و سعی نکنید با این افراد وارد مذاکره شوید؛ زیرا این افراد جبران ناپذیر هستند. با تنها گذاشتن یا تبعید آن ها، اثرگذاری شان را کم کنید. به منبع مشکل ضربه وارد کنید، گله پراکنده خواهد شد.

## قانون چهل و سه:

### روی ذهن و قلب دیگران کار کنید

زورگویی و اکنشی را به وجود می آورد که در نهایت به ضرر شما خواهد بود. شما باید دیگران را به گونه ای گول بزنید که در مسیر شما حرکت کنند. فردی را که گول زده اید، همیشه به شما وفادار خواهد بود. روش فریب این گونه است که با روان شناسی و احساساتشان وارد عمل شوید. با تحت تأثیر قرار دادن احساسات و بازی با آن هایی که برایشان عزیز هستند یا از آن می ترسند، مقاومتشان را درهم شکنید. اگر ذهن و قلب دیگران را نادیده بگیرید، تنفرشان از شما بیشتر خواهد شد.

## قانون چهل و چهار:

### با اثر آینه‌ای، دیگران را خلع سلاح و عصبانی کنید

آینه واقعیت را بازتاب می‌کند، اما وسیله خوبی برای گول زدن نیز هست. وقتی دشمنانتان را بازتاب می‌کنید و دقیقاً مانند آن‌ها رفتار می‌کنید، آن‌ها نمی‌توانند راهبرد شما را بفهمند. اثر آینه‌ای آن‌ها را مسخره و تحقیر می‌کند و سبب می‌شود واکنش تندی از خودشان نشان دهند. با در دست داشتن آینه در برابر روان آن‌ها، با توهم باور داشتن ارزش هایشان آن‌ها را گول می‌زنید. با نگه داشتن آینه در برابر اعمالشان به آن‌ها درسی می‌آموزید. افراد کمی می‌توانند در برابر اثر آینه‌ای از خود مقاومت نشان دهند.

## قانون چهل و پنج:

درباره نیاز به دگرگونی با دیگران صحبت کنید، اما هرگز یکباره به اصلاحات زیاد

### پردازید

همه نیاز به تغییر را به خوبی درک می‌کنند، اما در سطح روزمره مردم، افرادی هستند که به همه چیز عادت می‌کنند. نوآوری بیش از حد آسیب‌زا است و منجر به شورش می‌شود. اگر شما تازه به قدرت رسیده‌اید یا به عنوان فردی خارج از این موقعیت تلاش می‌کنید تا پایه و اساسی برای قدرت بسازید، نشان دهید که به شیوه‌های قدیمی به دیگران احترام می‌گذارید. اگر تغییر لازم است، آن را به عنوان پیشرفت ملایمی برای گذشته احساس کنید.

## قانون چهل و شش:

### هیچ‌گاه عالی به نظر نرسید

از دیگران بهتر بودن همیشه خطرناک است؛ اما خطرناک‌تر از همه این است که بدون هیچ عیب و نقصی ظاهر شوید! حسادت، دشمنانی ساکت می‌آفریند. گاهی نمایش نقص‌ها و پذیرش ایرادهای بی‌ضرر، هوشمندانه است؛ زیرا باعث از بین رفتن حسودان شده و شما را موجودی قابل دسترس با ویژگی‌های عادی انسانی به نظر می‌رساند. فقط خداوند و مرده‌ها، عالی و بی‌مشکل به نظر می‌رسند.

### قانون چهل و هفت:

از هدفی که به منظوری در نظر گرفته اید، جلوتر نروید؛ نقطه ایست در پیروزی را یاد بگیرید هنگام پیروزی، اغلب لحظه بزرگ ترین خطر است. در گرمای پیروزی، غرور و اعتماد به نفس بیش از حد، می تواند شما را جلوتر از هدفی بکشاند که برای خود در نظر گرفته اید و با جلوتر آمدن بیشتر، دشمنانی برای خود به وجود می آورید که قادر به شکست دادنشان نخواهید بود. اجازه ندهید موفقیت شما را سرمست کند؛ جایگزینی برای راهبرد و برنامه دقیق وجود ندارد. هدفی را تعیین کنید و وقتی به آن رسیدید، متوقف شوید.

### قانون چهل و هشت:

#### بی قضاوت و بی شکل بمانید

با داشتن نقشه و طرحی یکسَلَن، بیان خودتان را در مواجهه با یک شبیخون قرار می دهید. به جای این که طرحی داشته باشید که دشمنانتان بتوانند آن را به دست بگیرند، خود را سازگار و در حال حرکت نگه دارید. این واقعیت را بپذیرید که چیزی حتمی نیست و هیچ قانونی قطعی نخواهد بود. عالی ترین شیوه پستی برای خود، جاری و بی شکل بودن مثل آب است. هیچ وقت بر استحکام و نظم ثابت نمانید؛ تمام جسم در حال تغییر می باشد.

## پیش‌گفتار

احساس نداشتن قدرت بر دیگران و اتفاقات همیشه برای ما تحمل‌ناپذیر و سخت است و همچون حس بیچارگی است. هیچ‌کسی به دنبال قدرت کم نیست و همه بیشترین را می‌خواهند. با این حال، در دنیای امروز که ما در آن زندگی می‌کنیم بیش از حد تشنه قدرت بودن خطرناک است؛ چون با قدرت می‌توانید هر کاری انجام دهید، گویی باید یک شخصیت ساده و درست باشیم. پس باید با دقت بسیار رفتار کنیم؛ درست، باهوش و آزادانه، اما در خفا.

این بازی دوگانگی همیشگی، بیش از همه شبیه پویایی قدرتی است که در دنیای مکر دربار اشراف قدیمی وجود داشت. در طول تاریخ همیشه یک پادشاهی بر پایه شخصی قدرتمند مثل شاه، ملکه، امپراتور و پیشوا پایه‌گذاری می‌شد. افراد پیکره این پادشاهی همیشه در موقعیتی حساس قرار داشتند. آن‌ها باید به اربابان خود خدمت می‌کردند، اما اگر این خدمت چالپوسی به نظر می‌رسید و چنین رفتاری ثابت می‌شد، درباریان دیگر، بعد از فهمیدن موضوع خلاف آن رفتار می‌کردند؛ بنابراین برای کسب رضایت پادشاهان بایستی به دقت می‌کوشیدند؛ حتی درباریان کاردان با داشتن چنین دقتی در برابر هم‌قطاران‌شان که همواره برای کنار گذاشتن آن‌ها در تکاپو بودند، از خود محافظت می‌کردند؛ گویا پادشاهی، نمایانگر سطح بالای تمدن و فرهیختگی بود؛ پس کارهای قدرت‌طلبانه و خشونت‌آمیز با ناخشنودی روبه‌رو می‌شد و درباریان علیه افرادی که به زور متوسل می‌شدند، باید رفتاری آرام و محترمانه در پیش می‌گرفتند.

این دوگانگی یک درباری بود؛ درحالی‌که نمونه کامل وقار به نظر می‌رسید، باید با زرنگی و رفتارهای زیرکانه، رقیبانش را منحرف می‌کرد. درباری موفق با گذشت زمان یاد گرفت که همه کارهایش غیرمستقیم باشد؛ اگر به رقیب از پشت خنجر می‌زد، دستکش مخملی در دست و لبخندی شیرین بر صورت داشت. درباری کامل، به جای زورگویی یا نیرنگ آشکار، رفتاری فریبنده، جذاب، ریاکارانه و دقیق داشت و همیشه چند حرکت پیش‌تر را برنامه‌ریزی می‌کرد. زندگی درباری، یک بازی بی‌پایان با هوشیاری همیشگی و تفکری راه‌گشا بود و جنگی متمدن به شمار می‌آمد.

امروزه با معمای همسانی روبه‌رو می‌شویم؛ همه چیز باید متمدن، پسندیده، آزادمنشانه و عادلانه به نظر برسد، اما اگر بسیار جدی با این قانون‌ها بازی کنیم و آن‌ها را واقعی فرض کنیم توسط افرادی که احق نیستند، له می‌شویم. همان‌گونه که درباری و سیاستمدار بزرگ رنسانس نیکولو ماکیاولی نوشت: «در میان افراد بی‌شماری که خوب نیستند، آن‌که تلاش می‌کند همیشه خوب باشد به سوی نابودی خواهد رفت.» پادشاهی خود را اوج فرهیختگی تصور می‌کرد، اما زیر پوست درخشان و پاکش ظرفی پر از حرص، حسد، شهوت و نفرت جریان داشت.

دنای امروز به صورت همسانی خود را اوج انصاف و عدالت تصور می‌کند. درحالی‌که هنوز درون ما احساس‌هایی زشت و زنده برانگیخته می‌شوند و همیشه این چنین است؛ این یعنی بازی. در ظاهر باید با احترام با نکته‌های ریز برخورد کنید، اما در باطن - البته اگر احق نباشید - به سرعت یاد می‌گیرید که محتاط عمل کرده و همان‌طور که ناپلئون گفته رفتار کنید: «دست آهنی خود را درون دستکش مخملی پنهان ساز.» اگر مانند درباریان گذشته بر هنرهای غیرمستقیم بودن استادانه عمل کنید، فریفتن و جذاب بودن را یاد موزید و زیرکانه بر رقیبان، برتری جویید، به بلندای قدرت دست می‌یابید. بدون این‌که دیگران متوجه شوند، وادارشان کنید به آن‌چه شما می‌خواهید عمل کنند. به این ترتیب از شما آزرده نمی‌شوند و برابر خواسته شما مقاومت نمی‌کنند. از دیدگاه برخی افراد، بازی‌های قدرت آگاهانه بدون توجه به غیرمستقیم بودنشان، شیطانی، غیراجتماعی و بازمانده بازی‌های گذشته به نظر می‌رسند. آن‌ها معتقدند که با روش‌های نامرتبط و قدرت، دیگران را از بازی خارج می‌کنند. از چنین افرادی دوری کنید؛ زیرا درحالی‌که در ظاهر چنین حرف‌هایی می‌زنند خودشان جزو بازیکنان ماهر نمایش قدرت هستند. این افراد، ظاهر ذات فریب‌کار خود را با به‌کارگیری روش‌های خاص هوشمندانه تغییر می‌دهند. آن‌ها ضعف قدرت را یک ویژگی اخلاقی می‌دانند، اما کسی که ضعیف باشد، بدون انگیزه و نفع شخصی برای کسب همدردی یا احترام تبلیغ نمی‌کند. نمایش ضعف فردی روشی بسیار مؤثر، گول‌زننده و ماهرانه در بازی قدرت است. دستورالعمل دیگر نابازیگر فرضی، تقاضای برابری در همه زمینه‌های زندگی است. او معتقد است با وجود وضعیت و قدرت گوناگون مردم باید رفتاری همسان با آن‌ها داشت، اما اگر برای دوری از آلودگی قدرت تلاش می‌کرد تا رفتاری عادلانه داشته باشید، با مشکل مواجه خواهید شد؛ زیرا در کارهایی خاص برخی نسبت به دیگران برتری دارند. رفتار یکسان با همه، یعنی نادیده گرفتن تفاوت‌ها، بالا بردن افراد بی‌مهارت و سرکوب افراد برتر. افرادی که به این شیوه رفتار می‌کنند، دستورالعمل دیگری از قدرت را در پیش گرفته و پادشاه‌های مردم را به روش خودشان تعیین می‌کنند و به آن‌ها می‌دهند.

راست‌گویی کامل و رک‌گویی روشی دیگر برای دوری از بازی قدرت است؛ زیرا رازداری و تقلب یکی از روش‌های اصلی قدرت‌طلبان به شمار می‌آید، اما راست‌گویی کامل، به افراد زیادی آسیب می‌زند و برخی از این افراد از شما انتقام خواهند گرفت. کسی راست‌گویی شما را به‌طور کامل، بی‌غرض و دور از انگیزه نمی‌بیند و این تفکری درست است. درحقیقت راست‌گویی نوعی دستورالعمل قدرت است؛ میل در پذیرش شخصیتی نجیب، خوش‌قلب و فداکار از سوی دیگران گونه‌ای متقاعدسازی و حتی زورگویی هوشمندانه است و درنهایت افرادی که خواهان بازی قدرت نیستند، خود را بی‌تجربه نشان می‌دهند تا از اتهام قدرت‌طلبی در امان باشند. داشتن ظاهر بی‌تجربه ابزاری مؤثر برای فریفتن است؛ به همین دلیل تأکید می‌کنیم از این افراد دوری کنید.

بی‌تجربه‌های واقعی نیز از دام قدرت آزاد نیستند. شاید بچه‌ها در برخی موارد بی‌تجربه باشند، اما بیشتر برای به دست‌گرفتن کنترل اطرافیان و به وسیله نیازهای اساسی خود وارد بازی می‌شوند. بچه‌ها از قدرت نداشتن خود در دنیای بزرگسالان بسیار رنج می‌برند و در مسیر خود از هر وسیله‌ای برای دستیابی به قدرت استفاده می‌کنند. شاید بی‌گناهی‌ها هنوز بازیچه قدرت هستند و بیشتر به طرز بدی در این بازی نقش دارند و بازتاب‌های بازی متوقفشان نمی‌کند، اما افرادی که در نمایش بی‌گناهی بازی می‌کنند، در دسته بی‌گناه‌ترین نیستند؛ این نابازیگران فرضی را با ویژگی‌های اخلاقی دین‌داری و حس عمیقشان در قضاوت می‌توان شناخت اما از آن‌جا که همه ما خواهان قدرت هستیم و به‌طور تقریبی همه رفتارهایمان برای دستیابی به قدرت، است نابازیگران به ندرت آزاددهنده می‌شوند و با برتری اخلاقی، شأن ما را از بازی قدرت دور می‌کنند. با نزدیک شدن به این افراد می‌بینید که برخی از آن‌ها ناخودآگاه زرنگ و در فریب‌کاری غیرمستقیم استادند و از برملا ساختن روش‌های آشکار هر روز خود ناراحت می‌شوند.

اگر دنیا را طرحی بزرگ از پادشاهی تصور کنیم، می‌بینیم که درون این پادشاهی گرفتار شده‌ایم و انصراف از این بازی فایده‌ای ندارد. با این کار دچار ناتوانی شده و بدبخت می‌شویم؛ پس بهتر است به جای درگیری با آن و بحث و آه و ناله و داشتن حس گناه در قدرت پیشی بگیریم. درحقیقت با برخوردی درست در برابر قدرت به دوست، همسر عاشق و انسان بهتری تبدیل خواهید شد. با پیروی از درباریان برتر باعث می‌شوید دیگران حس بهتری به خود داشته باشند و با وجود شما دلگرم شوند. آن‌ها به توانایی‌های شما وابسته شده و از حضور شما لذت می‌برند. تسلط بر ۴۸ قانون این کتاب سبب می‌شود به وسیله بازی با آتش، بدون آگاهی از ویژگی‌های آن، درد حاصل از رفتار ناشیانه دیگران را در رابطه با قدرت نادیده بگیرید. اگر بازی قدرت گریزناپذیر است به جای این‌که فردی تکذیب‌کننده یا ناشی باشید، بهتر است هنرپیشه‌ای حرفه‌ای شوید.

یادگیری بازی قدرت مستلزم داشتن دیدگاهی خاص به دنیا است؛ یعنی دگرگونی دیدگاه شما بخش عظیم بازی که سال‌ها تلاش و تمرین را می‌طلبد به‌طور طبیعی به دست نمی‌آید. مهارت‌های اصلی خاصی لازم دارد و با استادی در آن‌ها، اجرای قانون‌های قدرت برایتان آسان‌تر خواهد شد.

مهم‌ترین این مهارت‌ها و پایه اصلی قدرت، توانایی کنترل احساس است. واکنش احساسی به یک موقعیت، بزرگ‌ترین مانع قدرت است؛ اشتباهی که بسیار بیشتر از رضایت موقتی حاصل از بیان احساس می‌ارزد. احساسات منطق را می‌پوشانند و اگر نتوانید موقعیت را به خوبی ببینید، نمی‌توانید با آمادگی، واکنش کنترل‌شده‌ای داشته باشید. خشم ویرانگرترین گونه پاسخ احساسی است؛ زیرا دید شما را بسیار تاریک می‌سازد و تأثیری موج‌گونه دارد که همیشه موقعیت را از کنترل خارج ساخته و دشمنانتان را تقویت می‌کند. اگر خواهان نابودی شخصی هستید به جای خشم باید با تظاهر به دوستی، او را از حالت دفاعی بیرون آورید.

«با خود فکر می‌کنم با چه ابزاری، چه طرحی، چند هنر متفاوت و چه صنعتی، انسان می‌تواند هوش خویش را برای فریب دیگران تقویت کند و با این دگرگونی‌ها دنیا چه اندازه زیباتر می‌شود»<sup>۱</sup>.

«هیچ اصلی جز رویدادها و جوهر ندارد، خوی و بدی وجود ندارد، فقط موقعیت‌ها هستند. انسان برتر به رویدادها و موقعیت‌ها توجه می‌کند تا بتواند آن‌ها را کنترل کند. اگر اصول و قانون‌های ثابتی موجود بودند ملیت‌ها نمی‌توانستند آن‌ها را آن‌گونه که لباس خود را عوض می‌کنیم، تغییر دهند و یک انسان نمی‌توانست خود را باهوش‌تر از یک ملیت بداند»<sup>۲</sup>.

عشق و دلبستگی نیز از اساس ویرانگر است؛ زیرا باعث می‌شود چشمانتان بر افرادی که از آن‌ها انتظار بازی قدرت ندارید بسته شود. شما نمی‌توانید خشم و عشق را سرکوب کرده یا از آن‌ها دوری کنید و نباید چنین کاری انجام دهید، اما در بیان احساسات دقیق باشید و مهم‌تر این‌که آن‌ها نباید هرگز روی طرح‌ها و رفتارهای شما تأثیرگذار باشند. کنترل احساسات، فاصله‌ای میان شما و زمان حال ایجاد می‌کند و باعث می‌شود گذشته و آینده را واقعی ببینید. باید مثل ژانوس، موجود دو چهره رومی و نگهبان درها و دروازه‌ها، در لحظه به هردو سو بنگرید و خطر را از سرچشمه آن کنترل کنید. با ساختن چنین چهره‌ای برای خود با یک چهره به آینده خیره شده و با دیگری به گذشته بنگرید. شعار آینده این است: «هیچ روزی بدون هشدار نیست.» هیچ چیز نباید شما را غافلگیر کند؛

زیرا همواره مشکلات را پیش از رخ دادن تجسم می‌کنید. به جای خیال‌بافی برای پایان خوش رؤیاها هرگونه اشکال احتمالی را پیش‌بینی کنید؛ با دوراندیشی، امکان برداشتن گام‌های بیشتر به سوی هدف و قدرتمندی بیشتر شما فراهم می‌شود.

چهره دیگر ژانوس به گذشته می‌نگرد، اما نه برای یادآوری آسیب‌های گذشته و تحمل رنج‌ها بلکه برای کنترل قدرت. نیمی از بازی، یادگیری فراموشی رویدادهای گذشته است که منطق شما را می‌پوشانند. هدف واقعی نگرستن به گذشته، آموزش همیشگی خودتان است؛ به گذشته نگاه می‌کنید تا از پیشینیان درس بگیرید. نمونه‌های تاریخی فراوان این کتاب در این باره کمک خوبی به شمار می‌آیند؛ بنابراین با نگاه به گذشته، نگاه دقیق‌تری به آن‌چه در اطرافتان می‌گذرد، خواهید داشت و به رفتارهای خود و دوستانتان بهتر می‌نگرید. این مهم‌ترین درسی است که می‌آموزید؛ چون نتیجه تجربه‌های شخصی است. با آزمایش اشتباهاتی که بیشتر شما را در گذشته نگه می‌دارند، آغاز کنید. در ۴۸ قانون قدرت آن‌ها را تجزیه می‌کنید و از آن‌ها می‌آموزید که: «هرگز این اشتباه را تکرار نمی‌کنم و هرگز دوباره در این دام نمی‌افتم. اگر بتوانید به این روش خود را ببینید و ارزیابی کنید شکستن ساختارهای گذشته را فرا خواهید گرفت؛ مهارتی بسیار فوق‌العاده».

قدرت، مستلزم توانایی بازی با ظواهر است و به منظور رسیدن به چنین پایانی باید نقاب‌های زیادی بزنید و کیفی مملو از فنون‌های فریبنده داشته باشید. فریب و تظاهر نباید غیراخلاقی و زشت به نظر برسند؛ تمام روابط بشری در سطح‌های گوناگون نیازمند فریب و حقه هستند. آن‌چه ما را از حیوان‌ها مجزا می‌کند حیوانیایی فکر و اندیشه ما است. ربودن بخشی از قدرت شیطانی آن‌ها از طریق مسابقه هوش و مکر، بخشی از این قضاوت است. فریب هنر پیشرفته تمدن و سلاحی بسیار قدرتمند در بازی قدرت است. شما نمی‌توانید در فریب‌کاری موفق شوید، مگر این‌که با حفظ فاصله با خودتان برخورد کنید، مگر این‌که با زدن نقاب‌های گوناگون در آن روز و آن لحظه، انسان‌های متفاوتی شوید. با چنین برخورد انعطاف‌پذیری در همه ظواهر از جمله خودتان، بخش عظیمی از سنگینی درونی را که باعث سقوط بشر می‌شود از دست می‌دهید.

مانند یک بازیگر، چهره‌ای انعطاف‌پذیر داشته باشید. اهدافتان را از دیگران مخفی نگه دارید و برای به دام انداختن مردم تمرین کنید. بازی با ظواهر و مهارت در هنرهای فریب از لذت‌های زیبایی‌شناسی زندگی به شمار می‌آیند و بخش‌های مهم دستیابی به قدرت هستند. اگر فریب، قوی‌ترین اسلحه انبار سلاح‌های شما باشد، صبر در همه موارد مهم‌ترین سپر خواهد بود. صبر، شما را از اشتباه‌های احمقانه دور نگه می‌دارد و مانند کنترل احساسات نوعی اسلحه به حساب می‌آید که به‌طور طبیعی در شما وجود ندارد، اما هیچ چیزی درباره قدرت، طبیعی نیست. قدرت، مهم‌ترین بخش دنیای طبیعی است و

صبر، والاترین حسن خداوند، همه چیز سرانجام خوبی خواهد داشت. اگر شکبیا باشید و چند گام جلوتر را نگیرید، سبزه‌ها دوباره رشد خواهند کرد. افزون بر این ناشکیبایی، شما را ضعیف ساخته و مانع اصلی دستیابی به قدرت است.

قدرت، از اساس غیراخلاقی است و از مهم‌ترین مهارت‌های کسب آن، توانایی دیدن موقعیت‌ها بیش از توجه کردن به خیر و شر است. قدرت یک نوع بازی است و اغلب نمی‌توان خیلی آن را تکرار کرد و در بازی‌ها رقیبان خود را از روی نیت‌هایشان قضاوت نمی‌کنید، بلکه تأثیر رفتارهایشان را می‌بینید. از آن چه می‌بینید و حس می‌کنید، رفتار و میزان قدرت را می‌سنجید. نیت‌ها به تنهایی گونه‌ای پوشش و فریبنده هستند. اگر دوست یا رقیب شما تصمیم‌های خوبی داشته باشد و علاقه به شما را در قلبش نگه دارد، اما رفتارش تأثیری ویرانگر و گمراه‌کننده داشته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ طبیعی است که مردم رفتار نادرست خود را توجیه کنند؛ باید خندیدن به چنین رفتاری را بیاموزید و هرگز با قضاوت‌های اخلاقی که درحقیقت بهانه‌ای برای افزایش قدرت هستند جذب انگیزه‌ها و رفتارهای شخصی کسی نشوید.

قدرت یک بازی است؛ حریف در برابر شما می‌نشیند. هردو مانند دو مرد یا دو زن باشخصیت رفتار کرده و با رعایت قانون‌های بازی و بدون توجه به مسائل شخصی به یک شیوه بازی می‌کنید. به آرامی به حرکت‌های حریف توجه می‌کنید تا اطلاعات بیشتری به دست آورید. در پایان، از ادب حریفان بازی بیشتر تمحید می‌کنید تا از انگیزه‌های خوب و دلنشین آن‌ها. چشمانتان را به گونه‌ای پرورش دهید که بتوانند نتیجه حرکت‌های رقیبان و موقعیت‌های بیرونی را دنبال کنند و چیزی مسیر دید شما را منحرف نسازد.

نیمی از تسلط شما بر قدرت ناشی از آن کارهایی است که انجام نمی‌دهید؛ از چیزی که اجازه نمی‌دهید شما را به سوی خود بکشاند. برای این که این مهارت را بیاموزید، باید هر چیزی را از روی ارزشی که برایتان دارد، قضاوت کنید؛ همان گونه که نیچه می‌نویسد: «ارزش یک چیز در آن چه به همراه دارد و با آن کسب می‌کنید نیست، بلکه در چیزی است که برای آن پرداخت می‌کنیم؛ یعنی این که باید ببینیم چه بهایی برایش پرداخت کرده‌ایم.» شاید به هدف‌تان برسید، اما به چه قیمتی؟ این معیار در همه جا صدق می‌کند و کمک به دیگران را نیز در برمی‌گیرد؛ درنهایت بهتر است به این نکته نیز اشاره کنم که زندگی کوتاه است، فرصت‌ها کم هستند، شما انرژی محدودی دارید و زمان مانند دیگر موارد بسیار مهم است. هرگز زمان ارزشمند و آرامش ذهنی خود را صرف مسائل دیگران نکنید؛ زیرا ارزشمندتر از آن است که بتوانید برایش بهایی پرداخت کنید.

قدرت یک بازی اجتماعی است؛ برای یادگیری و مهارت در آن باید توانایی درک مردم را در خود توسعه دهید. متفکر و دربار بزرگ قرن هفدهم بالتازار گراسیان این گونه

می‌نویسد: «مردم وقت خود را صرف مطالعه و ویژگی‌های حیوانی و گیاهی می‌کنند، اما چه اندازه مهم‌تر بود که این وقت برای مطالعه انسان‌ها صرف می‌شد؛ انسان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم و می‌میریم!» برای این‌که بازیگر ماهر باشید، باید روان‌شناس بسیار خوبی هم باشید؛ باید انگیزه‌ها را بشناسید و رفتارهای مردم را از پشت غبار ساختگی‌شان ببینید. درک انگیزه‌های پنهان مردم مهم‌ترین بخش دانشی است که می‌توانید در کسب قدرت داشته باشید و امکانات بی‌پایان، فریب گمراهی و تقلب را در دست‌رستان قرار می‌دهد.

پیچیدگی مردم، نامحدود و شناخت کامل آن‌ها ناممکن است. اکنون آغاز آموزش شما از هر چیزی مهم‌تر است و باید یک اصل را به خاطر بسپارید؛ هرگز میان کسی که روی او مطالعه می‌کنید و فرد مورد اعتمادتان، فرق نگذارید. هرگز به کسی به‌طور کامل اعتماد نکنید؛ حتی دوستان و کسانی که دوستشان دارید. همه را مطالعه کنید و درنهایت، باید یاد بگیرید که همیشه مسیر غیرمستقیم قدرت را انتخاب کنید و زرنگی خود را پنهان سازید؛ مانند توپ بلیارد که پیش از برخورد به هدف نهایی چندین بار شاروم می‌کند. حرکت‌های شما نیز باید طرح‌ریزی شود و در مسیری که کم‌تر به چشم می‌آید، پیش رود. با یادگیری ماهرانه روش غیرمستقیم با ظاهری موجه می‌توانید در پادشاهی مدرن پیشرفت کنید. ۴۸ قانون قدرت را، نوعی کتاب هنرهای غیرمستقیم بدانید. قانون‌های کتاب براساس نوشته‌های مردان و زنان اهل مطالعه و رهبران بازی قدرت است. این نوشته‌ها دوره‌ای بیش از سه هزار سال را در برمی‌گیرند و در تمدن‌های متفاوتی مانند چین باستان و ایتالای دوره رنسانس آفریده شده‌اند، اما درون مایه‌های مشترکی دارند و به پایه قدرتی اشاره می‌کنند که باید به‌طور کامل تفسیر شود. ۴۸ قانون قدرت عصاره این دانش است؛ مجموعه‌ای از نوشته‌های سیاست‌مدارانی مشهور مانند «سان تزو»<sup>۱</sup> و «کلاوویتس»<sup>۲</sup>، دولت‌مردانی چون «بیسمارک»<sup>۳</sup> و «تالیران»<sup>۴</sup>، درباریانی مانند «کاستیگلیون»<sup>۵</sup> و «گراسیان»<sup>۶</sup>، شایادانی چون «نینون د لنکلوز»<sup>۷</sup> و «کارانووا»<sup>۸</sup> و حقه‌بازانی چون «یلو کید ویل»<sup>۹</sup> از تاریخ است.

۱. Sun Tzu: نویسنده چینی کتاب‌های رزم

۲. Carl Von Clausewitz: اندیشمند نظامی و از ارتشیان پروس.

۳. Otto Eduard Leopold Von Bismarck: زمام‌دار معروف دولت پروس و نخستین صدراعظم در تاریخ آلمان.

۴. Charles Maurice Talleyrand: دیپلمات برجسته فرانسوی.

۵. Baldassare Castiglione: نویسنده، دیپلمات و دولت‌مرد ایتالیایی در سده ۱۶ میلادی

۶. Baltasar Gracian: نویسنده و فیلسوف اسپانیایی.

۷. Ninon De Lenclos

۸. Giacomo Casanova

۹. Yellow Kid Well: (جوزف ویل)

قانون‌ها چهارچوب ساده‌ای دارند. رفتارهای خاصی همیشه قدرت شخصی را افزایش می‌دهد. پیروی از قانون درحالی‌که رفتارهایی این قدرت را کاهش داده و ما را نابود می‌سازند. سرپیچی از قانون و پیروی از قانون‌ها با نمونه‌هایی تاریخی مطرح می‌شوند و این قانون‌ها همیشگی هستند. ۴۸ قانون قدرت، به شیوه‌هایی گوناگون به کار می‌رود و با خواندن این کتاب می‌توانید قدرت را به‌طور کامل بیاموزید. در ظاهر برخی قانون‌ها به زندگی شما مربوط نمی‌شوند، اما در زمان مناسب درمی‌یابید که همه آن‌ها در زندگی شما کاربرد داشته و همه به هم مربوط هستند. با نگاهی کلی به موضوع، بهتر می‌توانید رفتارهای گذشته خود را ارزیابی کنید و بر کارهای کنونی‌تان کنترل بیشتری داشته باشید. مطالعه کامل کتاب بر اندیشه‌های شما تأثیر می‌گذارد و با پایان یافتن کتاب تا مدتی توان ارزیابی دوباره را خواهید داشت.

این کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده است که در هر لحظه قانون مربوط به خود را بهتر بازبینی کنید؛ انگار مشکلات خود را با یک کارشناس در میان می‌گذارید و بی‌هدف ماندن تلاش‌های شما و ناسپاسی از شما برایتان آشکار خواهد شد. چندین قانون به صورت ویژه به رابطه رئیس و زیردست اشاره دارد و به یقین یکی از این قانون‌ها را نقض کرده‌اید که به موفقیت نمی‌رسید. با نگاهی کوتاه به پاراگراف‌های اولیه فهرست کتاب، قانون مربوطه را خواهید یافت.

سرانجام می‌توان به این کتاب نگاهی کوتاه انداخت و بخش‌هایی از آن را برای سرگرمی برگزید؛ بخش‌های جالب توجه که به مشکلات اخلاقی و رفتارهای شگفت‌انگیز نیاکان ما درباره قدرت مربوط است. هشدار برای کسانی که به این منظور کتاب را استفاده می‌کنند بهتر است به عقب برگردید. قدرت به صورت نامحدودی فریبنده است؛ مغز شما برای حل مشکلات این هزارتو مصرف می‌شود و به شکل فریبنده‌ای در آن گم می‌شوید. به بیان دیگر جدی گرفتن کتاب، سرگرمی بیشتری به همراه دارد. با موضوع مهمی مانند قدرت، ساده برخورد نکنید. اربابان قدرت نسبت به برخورد ساده شما ناخشنود هستند. آن‌ها از افرادی خشنودند که کتاب را به دقت مطالعه کرده و به قانون‌های قدرت عمل می‌کنند و افرادی را که در لحظه‌های خوش نگاهی سطحی به این موضوع دارند تنبیه می‌کنند. «در میان افراد بی‌شماری که خوب نیستند، آن‌که تلاش می‌کند همیشه خوب باشد، به سوی تباهی می‌رود؛ بنابراین شاهزاده‌ای که می‌خواهد قدرتش را حفظ کند، باید بیاموزد چگونه خوب نباشد و این آموزش یا سرپیچی از کاربرد آن را در هنگام لازم به کار گیرد».